

کودک فروش اقساطی در مشهد نافرمام ماند

زن شیشه‌ای که قصد داشت کودک ۱۸ ماهه‌اش را به صورت اقساطی بفروشد با حضور به موقع پلیس مشهد دستگیر و روانه مرکز ترک اعتیاد شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، ساعت ۶ بعد از ظهر پنج‌شنبه اسفند بود که یکی از منابع و مخبران محلی در تماس با پلیس، از معامله اقساطی یک کودک در یکی از پاتوق‌های معتادان خبر داد. در پی دریافت این خبر و با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد مشهد) گروه ویژه‌ای از نیروهای اطلاعات و عملیات عازم بولوار توس شدند.

آنان با هماهنگی قاضی یساقی (جانشین معاون دادستان در دادرسی انقلاب اسلامی) ابتدا به بررسی غیرمحموس ماجرا پرداختند و سپس در یک عملیات غافلگیرانه پاتوق مذکور را به محاصره درآوردند. در این هنگام زن ۲۹ ساله معتاد که با مشاهده نیروهای انتظامی به شدت نگران شده بود، با حالتی پریشان فروش فرزندش را انکار کرد و گفت: فقط قصد حساب و کتاب داشتیم. اما نیروهای انتظامی که یقین داشتند با حضور به موقع آنان در پاتوق معتادان، معامله این کودک ۱۸ ماهه نافرمام مانده است، زن جوان را به همراه کودک مذکور به کلانتری هدایت کردند.

این گزارش حاکی است: این زن ۲۹ ساله که کودکش را در آغوش گرفته بود به ناگاه دچار عذاب وجدان شد و در حالی که مهر و عاطفه مادری در چهره اش موج می‌زد حقیقت فروش اقساطی فرزند دلبندهش را فاش کرد و گفت: از شدت خماری قصد داشتم «عماد» را بفروشم. آن لحظه به چیزی جز تهیه پول شیشه (مواد مخدر صنعتی) نمی‌اندیشیدیم. قرار بود کودک ۱۸ ماهه ام را ۴۰ میلیون تومان از من بخرند ولی من گفتم فقط ۱/۵ میلیون تومان به من نقد بدهید، بقیه پول را هم سفته می‌گیرم تا به صورت اقساطی پرداخت کنید! این زن معتاد که حالا از شدت عذاب وجدان اشک‌هایش سرازیر شده بود در ادامه ماجرا به قصه تلخ زندگی‌اش نیز اشاره کرد و گفت: تاکنون سه بار ازدواج کرده‌ام و سابقه زندان هم دارم. در دو ازدواج قبلی شکست خوردم تا این که برای سومین بار به عقد موقت یک مرد معتاد دیگر درآمدم که او هم از دو سال قبل به جرم سرقت و موادمخدر در زندان است. از سوی دیگر من نیز آواره پاتوق‌های مواد مخدر شدم و روزهای جوانی‌ام را در پاتوق‌های گوناگون به سر بردم. اگرچه بیماری گواتر سمی هم دارم ولی به خاطر اعتیادم نمی‌توانم برای درمان اقدام کنم!

این زن معتاد به حادثه تلخ و دردناک دیگری در زندگی‌اش اشاره کرد و ادامه داد: این کودک تنها سرنوشت سیاه من نیست بلکه پسر ۱۱ ساله دیگری هم دارم که او را به خانواده‌ای سپردم تا از او مراقبت کنند و نزد آن‌ها تحصیل کند ولی زمانی که دلم برایش تنگ می‌شود با ترفندهای مختلفی به دیدارش می‌روم. آن خانواده در انتهای کوی آب و برق مشهد ساکن هستند و من به این دلیل که فرزندم آینده‌ای دارد، هیچ گاه خودم را به عنوان «مادر» به او معرفی نکردم تا خجالت نکشد! می‌دانم اگر او با این ظاهر آشفته و چهره‌ای که اعتیاد نابودش کرده است، متوجه شود که من مادرش هستم از نظر روحی به هم می‌ریزد. وقتی خوشحالی او را می‌بینم تا مدتی شادمان هستم چرا که من هم یک مادرم! اما اعتیاد روزگارم را سیاه کرده است. گاهی خودم را به عنوان کارگر و کلفت معرفی می‌کنم و به خانه آن زوج می‌روم تا فرزندم را ببینم. هر بار که با دیدن او اشک می‌ریزم، پسر من از من می‌پرسد «چرا گریه می‌کنی؟!»، ولی من حرفی برای گفتن ندارم! چگونه می‌توانم او را در آغوش بفشارم و بگویم پسر من مادرت هستم! اعتیاد زندگی‌ام را ویران کرده است و حالا ...

زن جوان در حالی که اشک‌هایش را پاک می‌کرد خطاب به نیروهای کلانتری سپاد گفت: امروز حاضرم با شما همکاری کنم تا همه این پاتوق‌های خلاف و خلافکاری را جمع کنید تا مادرانی مانند من مجبور نشوند جگر گوشه خود را اقساطی بفروشند! من فرزندم را دوست دارم اما مواد مخدر صنعتی حس مادری را هم از انسان می‌گیرد، من قصد دارم فرزندم را خودم بزرگ کنم و...

با اظهارات تلخ این زن جوان، مراتب از سوی سرگرد قنبری (معاون عملیات کلانتری سپاد) به مقام قضایی گزارش شد و سپس با راهنمایی‌های قاضی یساقی و دستورات ویژه قضایی، زن جوان به یکی از مراکز دولتی ترک اعتیاد معرفی شد و فرزند ۱۸ ماهه او نیز در اختیار بهزیستی قرار گرفت تا این زن جوان بعد از رهایی از چنگال اعتیاد تحت حمایت‌های قانونی قرار گیرد و فرزندش نیز در صورت داشتن صلاحیت به وی تحویل شود. هنگام دستگیری این زن جوان در پاتوق معتادان، مشخص شد که برخی از قسمت‌های بدن کودک نیز دچار سوختگی شده است.